

دلایل اندکی را می‌توان نام برد که باعث می‌شوند هنرمند تصمیم بگیرد اثرش را بپوشاند. حفاظت از نقاشی در برابر جنگ، بحران و آسیب‌های ناشی از آن^۵ حفاظت از زیبایی از پیش تعیین شده‌ای است که بقای فیزیکی‌اش به سبب آسیب‌پذیری اثر به مسئله‌ای اضطراب‌آور بدل شده است. نقاشی پیش از آن که «معنا بدهد» باید «باشد». پیش از نسبت دادن اثر به دیدگاه‌هایی که برای آن نقشی فراتر از خودش قائل‌اند، باید نخست شیئیت آن را پذیرفت و سپس از سطح مادی‌اش فراتر رفت.

نمایش فرایند حفاظت، هنگامی که پیکره‌ی پوشانده شده‌ی نقاشی را در معرض دید قرار می‌دهد، چیزی جز مداخله نیست، هر قدر هم موقت و زودگذر باشد. این مداخله، کنش وضوح بخشیدن در نقاشی را پنهان می‌کند و هم‌زمان که به تصویر محصور درون خود بی‌اعتناست، آن را در مواجهه با فضای بیرونی به حافظه‌ی جمعی و دلالت‌های تاریخی جدید نزدیک می‌کند. این‌جا دیگر مسئله صرفاً پوشاندن و حفاظت نیست. نتیجه، دگرگون‌شدن چشم‌انداز است؛ فرم‌هایی تازه و مستقل و تصاویری کدر و مبهم که از مسیر پیوند محیط با بافت پارچه، جرم و نور شکل گرفته‌اند.

این مداخله هم تصویر نقاشی پنهان‌شده را تغییر می‌دهد و هم ویژگی‌هایی را آشکار می‌کند که پیش‌تر دیده نمی‌شدند. هم‌چنین می‌تواند شرایط تازه‌ای برای دیدن و تجربه‌کردن فراهم کند. پنهان‌شدن تصویر نقاشی شیوه‌ی دیدن آن را نسبت به شرایط محیطی تغییر می‌دهد. نقاشی نسبت با واقعیت زنده فاصله‌ی معین خود را شکل می‌دهد؛ اما زمانی که ناچاریم برای ایمن‌ماندن آن را در لایه‌هایی از پارچه بپوشانیم، این فاصله را که اساساً متعلق به نقاشی است از آن می‌گیریم و از نقاشی شیئی دیگر می‌سازیم. تناقض این‌جاست که با وجود حبس‌شدن سطح و تصویر نقاشی در زیر پوشش، اثر پوشانده شده خود به هدف بازنمایی تازه‌ای بدل می‌شود.

وقتی این آثار، محصور در پوشش‌های خود، از استودیوی هنرمند بیرون می‌آیند و به تنهایی در فضایی به نمایش درمی‌آیند که خود آن فضا در جنگ آسیب دیده است، با حجم‌هایی رازآلود، گریزان و تداعی‌گر روبه‌رو می‌شویم. حجم‌هایی که پیوسته وادارمان می‌کنند که آن‌چه را پنهان کرده‌اند تصور کنیم و درعین‌حال نوعی اندوه خاموش و احساس تنهایی را القا می‌کنند. رازآلودگی فراگیر این آثار بیننده را پیوسته با این پرسش روبه‌رو می‌کند که در پس این حجم‌ها چه چیزی پنهان شده است. فیگورها، خطوط، شکل‌ها، رنگ‌ها و وعده‌های درخشان و فریبنده‌ی نقاشی در پس پرده پنهان می‌شوند؛ پرده‌ای که بیننده در پشت آن حضور مضامینی بسیار متنوع را احساس می‌کند: پرتره‌ها، چشم‌اندازها، احساسات، زندگی و مرگ.

سیاوش خائف

تابستان ۱۴۰۵

There are few reasons that might lead an artist to decide to cover a painting. Protecting a painting from war, crisis, and the destruction they bring is an attempt to preserve a preordained beauty whose physical survival, owing to the work's vulnerability, has itself become a source of anxiety. Before a painting can mean, it must first exist. Before assigning it to viewpoints that attribute to it a role beyond itself, one must first acknowledge its material objecthood, and only then move beyond its physical surface.

When the process of protection itself is put on display—when the shrouded body of the painting is presented to the viewer—it becomes an intervention, however temporary or fleeting. This intervention conceals painting's act of making visible, and while remaining indifferent to the image enclosed within, it brings the concealed work into relation with the outside world, drawing it toward collective memory and new historical associations. At this point, the issue is no longer merely one of concealment and preservation. The result is a transformed visual landscape: new and autonomous forms, and muted, ambiguous images that emerge through the interaction of the surrounding space with the texture of the fabric, mass, and light.

This intervention not only transforms the image of the hidden painting, but also reveals qualities that previously remained unseen. It creates new conditions for seeing and experiencing. The concealment of the painted image alters the very way it is perceived in relation to its environment. A painting ordinarily maintains a particular distance from lived reality; yet when we are compelled to wrap it in layers of fabric to ensure its safety, we deprive it of a distance that properly belongs to the painting itself, turning it into something else. The paradox lies in the fact that although the painting's surface and image are imprisoned beneath its covering, the covered work itself becomes the subject of a new form of representation.

When these works, enclosed within their coverings, leave the artist's studio and are displayed on their own in a space that has itself been scarred by war, we encounter mysterious, elusive, and evocative volumes. They continually compel us to imagine what they conceal, while simultaneously evoking a quiet sorrow and a profound sense of solitude. The pervasive mystery of these works repeatedly confronts the viewer with the question of what lies hidden beneath these forms. Figures, lines, shapes, colours, and the luminous, seductive promises of painting all disappear behind the veil—a veil through which the viewer nevertheless senses the presence of countless possible subjects: portraits, landscapes, emotions, life, and death.

Siavash Khaef

Summer 2026